

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرح نوتاش

۲۷ فیروزی ۲۰۲۰

استعمار آسان

اعلامیه شماره ۲۶

جبهه مردم برای نجات ایران (خط سوم)

۲۰۲۰/۰۲/۲۶

قبول واقعیت، رفتن تا نیمه راه است، و عدم قبول واقعیت، گم شدن در برهوت برای یک عمر و حتا نسلهای پی در پی. واقعیت این است که ایران به هزار دلیل با غرب فرق دارد. ایران در خاور میانه و دارای منابع عظیم زیر زمینی است که اروپا فاقد آن می باشد و اروپا به دلیل رشد بی وقفه علم، هنر، فلسفه، و دستیابی به صنعت، راه آینده را، با گام هائی هر روز بلندتر، گشوده است. استیلای سرمایه داری و سپس گسترش بانکداری و استیلای انگلی بانکداران، استعمار را بخش جدائی ناپذیرسلطه امپریالیسم کرده است. اصل استعمار از آغاز سرمایه داری تا کنون بلا تغییر مانده است. ولی روش اعمال آن هر بار شکل جدیدی به خود گرفته است. استعمار، که به بند کشیدن ملل و غارت منابع ممالک توسعه نیافته است، از بعد از جنگ جهانی دوم تا به امروز، به سر کردگی امریکا و ماشین سلاخی امپریالیست ها، سازمان ناتو تحمیل شده است. از این رو ضدیت با امریکا در بحث های ضد امپریالیستی، شامل تمام کشور های عضو ناتو می شود.

انقلاب سوسیالیستی روسیه به رهبری لنین کبیر در ۱۹۱۷، باعث وحشت امپریالیست ها از جهانی شدن آن انقلاب شده است. از آن زمان تا به امروز، نظریه پردازان امریکا، همواره در صدد یافتن راه های گوناگون، برای خفه کردن، دفورمه کردن و ممانعت از گسترش آن ایدئولوژی انسان ساز بوده اند. دسیسه و تهاجم، جزو اهرم های ذاتی امپریالیست ها است. آنان نه تنها پایه ریز جنگ جهانی دوم برای ساقط کردن روسیه سوسیالیستی بودند، بلکه از هر امکانی برای تخریب ذهن طبقه کارگر جهان و حامیان آن در بین روشنفکران کوتاه نیامده اند. تغییر و تحریف ایدئولوژی از فعالیت های بنیادی و ستراتیژیک آنان بوده است. هر روز به رنگی در پی انحراف فکری و ممانعت از اتحاد نیروهای چپ در جهان بوده اند و برای ایجاد این انحراف، بودجه سالانه دارند.

آنان خود، ایجاد کننده فاشیسم و ارتقاء دهنده آن بوده اند و بعد از جنگ جهانی دوم، خود پرچمدار فلج کردن تمام احزاب کمونیست اروپائی و امریکائی و جهان شده اند. اساساً جدا شدن راه لنین از چپ اروپائی، نه با خواست و انتخاب لنین، بلکه به دلیل انحراف چپ اروپائی از اصل اتحاد مارکسیستها در جنگ جهانی اول علیه امپریالیست ها بوده است. رجوع به کتاب: کائوتسکی مرتد، اثر لنین.

دقت به یک اصل مهم و حیاتی، می تواند کمکی به موفقیت چپ کشورهای جنوب در اتحاد نماید. چپ غربی برای نجات طبقه کارگر خود و استقرار سوسیالیسم، با حاکمیت سرمایه داری و بانکدار خود مبارزه می کند. ولی در کشور های جنوب، مبارزان سوسیالیست، راهی بس دشوارتر در پیش رو دارند. مبارزه علیه استعمارگران امپریالیست، و مبارزه علیه حاکمان غدار ممالک خود، که دست نشاندهگان امپریالیست ها هستند. از این رو اعمال دیکتاتوری بسیار خصمانه این دولت های دست نشانده به ملل جنوب، نه انتخاب خود آنان بلکه دستور رسیده از بالای امپریالیست های فرمان بده است. نمونه رژیم ملا.

و این وضعیت شدیداً ناهنجار استعماری در کشورهای جنوب، جایی برای بازی با ایدئولوژی های قلابی نفوذهای امپریالیست ها توسط شبه مبارزان امپریالیستی نمی گذارد.

قبول این که ما از کشور های مستعمره شونده ایم، بسیار تلخ است.

قبول این که ما هیچ گونه همسانی با مبارزان کشور های شمال نداریم بسیار تلخ است.

قبول این که ما سیاهیم و آنان سفید، بسیار تلخ است. ولی قبول واقعیت، رفتن نیمی از راه است.

ای یاران کارگر، کدام راه به صلاح ماست؟ نادیده گرفتن استعمار؟ دنباله روی از چپ های آبکی شده غرب توسط امپریالیست ها؟

و چشم بستن بر ریشه و اصلی ترین بخش مسأله مظلومیت ملل کشور های جنوب؟

ملل جنوب دوبار مظلومند. این مظلومیت مکرر، راه هر گونه دنباله روی را بر مبارزان جنوب نفی می کند. آنان به جای دو چشم باید چهارچشم داشته باشند. روشنفکران جنوب حق ندارند این دوبار مظلومیت را، به سه بار افزایش دهند. امپریالیسم در تمام مسائل زندگی مردمان جنوب دخالت می کند. تجاوز و غارت می کند، می برد، می خورد، می کشد، چاه را به نام راه، راه اندازی می کند. چگونه می شود چشم را بر جنایت های آن بست؟ و از مقالات و صورت مسأله مبارزه حذفشان کرد؟ و مبارزه علیه آنان را، فقط در مبارزه با رژیم سرمایه داری ملا خلاصه کرد؟ که خود زائده همان امپریالیسم در حوض کوچکی ست و چشم را به دریای جنایت آن در جهان بست؟ اگر مبارزه علیه ستم امپریالیست ها در جهان نادیده انگاشته شود، آنان خیلی راهت، دوباره دیکتاتور جدیدی را، از توبره در خواهند آورده و برای نیم قرن بعدی قالب ملت ایران خواهند کرد. حذف مبارزات ضد امپریالیستی از صورت مسأله، تقلید از مبارزان امپریالیست پرورده غرب است. آنانی که هرگز مشکلی با سازمان ناتو نداشته و ندارند و کشورشان توسط سازمان ناتو خانه ارواح نشده است و بودجه و سرباز سازمان ناتو توسط دولت های آنان، حتا احزاب سوسیال دموکرات شان، تأمین می شود.

دموکراسی در کشورهای جنوب هرگز نمی تواند جدا از مبارزات ضد امپریالیستی پا به عرصه حیات بگذارد. کسی که شناخت از ذات امپریالیسم داشته باشد، خوب می داند که در غیر این صورت، نوکران تازه نفس امپریالیست ها، دموکراسی های رستاخیزی جدیدی را تحمیل ملت ایران خواهند کرد. ایران سیاره ای جدا در کهکشان نیست. بخشی از کره زمین است و تمام رویدادهای کره زمین بر هم تأثیر متقابل دارند.

شعار تروتسکیست های انترناسیونال چهارم از ده پانزده سال پیش، مبارزه هماهنگ فلسطین ها و اسرائیلی ها، برای رسیدن به سوسیالیسم بوده است. ظاهراً این شعار بسیار مقبول است. ولی در پس این شعار، تسلیم فلسطین در مقابل اسرائیل پنهان است و این شعار جاده صاف کن تصرف کامل فلسطین توسط اسرائیل بوده است. بخشیدن نقد تمامیت فلسطین به اسرائیل و مبارزه برای سوسیالیسم نسبی! این قبول ذات استعمار است. کسی که چشم خود را بر استعمار در هر جای دنیا می بندد، هرگز با سوسیالیسم سختی ندارد. کسی که دروازه اول را براحتی بگشاید، امپریالیست ها او را

مجبور به گشودن بقیه دروازه ها نیز خواهند کرد و سوسیالیسم آبکی و صورتی او، سکوئی برای تاراج ممالک ، توسط امپریالیستها خواهدشد.

ماسریازان جهان بی مرزیم و بیزار از هر ناسیونالیسم. از ناسیونال سوسیالیسم گرفته تا ناسیونال لیبرالیسم. ولی امروز استعمار کم خرج، و بدون به کار گیری سرباز از کشورهای استعمارگر، ایجاد ارتش های نیابتی است و در کنار آن ، سوء استفاده از خود مختاری، و ترویج جدائی طلبی، راه نوین استعمار است.

از آنجائی که برنامه اساسی صهیونیسم-امپریالیسم سلطه بر جهان و از بین بردن تمام ارتش ها و تابع کردن تمام دولت ها است، از این رو، در شرایط کنونی، خود مختاری که حق تمام خلق های جهان است ، توسط امپریالیست ها از آن سوء استفاده می شود. از این رو تمام احزاب و سازمان هایی که در اساسنامه و برنامه خود، خود مختاری، و فراتر از آن ، خود مختاری تا حد جدائی کامل را آورده اند، در معرض سوء استفاده جدی توسط امپریالیست ها هستند و حذف امپریالیسم از صورت مسأله، در برنامه هایشان، خطر این سوء استفاده از آنان را برای اعمال استعماری نوین در ایران شدید تر می کند.

امروز، خود مختاری راه تجزیه ممالک و کم بنیه کردن آنان و راه برده داری نوین است. ما از شمال استعمارگر نیستیم. ما اهل جنوب مستعمره شده ایم. و تفاخر تمدن هزاران ساله مان نمی تواند از درد هایمان گریه بگشاید. تقلید از سازمان ها و احزاب اروپائی نیز نه تنها به درمان نمی خورد. بلکه برای ملت بلا دیده ما سم خالص است.

چگونه می توان درد را و فجایع تاریخ استعمار در ایران را فراموش کرد؟ نیاز امروز ما غبار زدائی از وقوف بر واقعیت های تاریخی ایران است. آگاهی از ظلم رژیم های قاجار انگلیس، پهلوی امریکائی و رژیم سراسر نکبت ملای انگلیس است. اقدام امروز ما باید اساسی و ریشه ئی باشد. امروز با پیروی از زنان برنجکار ایران، عرصه چپ ایران از علفهای هرز باید پاک شود نه این که با آنان اتحاد شود.

غفلت از علت اساسی درد که امپریالیسم است، کاشتن دانه درد برای نسل های بعدی است.

پیش به سوی خلوص با مردم رنج دیده ایران و اتحاد بزرگ ضد امپریالیستی و ضد رژیم نکبت ملا.

womens-power.farah-notash.com

www.farah-notash.com

Women's Power